

ارتشی از زنان ونزوئلا در طرح مسکن این کشور مشغول به کارند

منبع: venezuelaanalysis.com

نویسنده: آندرینا چاوز آلاوا (ترجمه و تلخیص)

مسکن کلایی شده، حلبی‌آبادها، خلع ید و بی‌خانمانی در سرتاسر جهان یک واقعیت است، و هر قدر رسانه‌های جریان اصلی تلاش کنند این واقعیت را کتمان کنند، باز این‌ها جز وحشت‌ها و تباهی‌های خیره‌کننده‌ی سرمایه‌داری است.

در مقابل، طرح مسکن بزرگ ونزوئلا (GMVV) از سال ۲۰۱۱ به این سو، ۴/۴ میلیون خانه برای خانوارهای طبقه‌کارگری ساخته است؛ در سال ۲۰۱۱ رهبر انقلابی، هوگو چاوز، دسترسی به زمین و مسکن کافی را یکی از حقوق اساسی بشر برای زندگی شرافتمندانه اعلام کرد.

هدف این است که در سال ۲۰۲۴ به ۵ میلیون مسکن دست پیدا کنیم.

افزون بر این، در این طرح اغلب به زیرساخت‌های اجتماعی مانند مدرسه، بازارهای غذایی و فضاهای سبز اندیشیده شده است. خانه‌ها نیز به مایحتاج ضروری مجهز است. در نتیجه، فقر ساختاری شدید در ونزوئلا از ۱۰/۸ درصد در سال ۱۹۹۸ به ۴/۳ در سال ۲۰۱۸ رسید (طبق آمار مؤسسه‌ی ملی آمار INE).

بیش از ۷۰ درصد کارهای طرح مسکن بزرگ ونزوئلا به صورت خودمدیریتی اجتماع‌های مردمی و با پشتوانه‌های مالی و تدارکاتی نهادهای دولتی ساخته شده است. این کار باعث کاهش هزینه‌ها شده است.

برای این‌که به درک درستی از موفقیت این پروژه برسیم باید دقت داشته باشیم که اقتصاد ونزوئلا تحت تحریم‌های فلج‌کننده‌ی امپریالیسم ایالات متحده قرار دارد. برای این درک درست به سراغ یکی از پروژه‌هایی رفتیم که زنان مدیریت آن را بر عهده دارند و این یکی از نمونه‌های فمینیسم توده‌ای است.

ساختن آینده

منطقه‌ی زیبای آنتیمانو پاریش در جنوب غربی کاراکاس منطقه‌ای است که در آن ارتشی از زنان خودآموخته مشغول ساخت مسکن برای خانواده‌هایشان و نیز تغییر واقعیت پیرامونشان هستند. ماجرای این زنان از حدود ۱۲ سال پیش آغاز شد؛ هنگامی که آن‌ها برای نخستین بار گرد هم آمدند تا انجمن خانه‌سازی ونزوئلا را تشکیل دهند.

مدیریت این انجمن با زنان بود. آریاری رویاس و یسیدا بودئو، که هر دو مادر و از سخن‌گویان اصلی این پروژه هستند، ۹۶ خانواده را که از این طرح سود می‌بردند دور هم جمع کردند.

رویاس این‌طور برای ما توضیح داد که «ما به‌خاطر رئیس‌جمهور هوگو چاوز اینجا هستیم. اگرچه طرح بزرگ مسکن قرار بود برای کسانی خانه بسازد که طی بارش‌های شدید سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ دچار مشکل شده بودند، چاوز متوجه این نکته شد که باید به انقلاب مسکن سرعت ببخشیم و دستورالعمل‌هایی برای سازمان‌دهی ما در راستای این هدف ارائه کرد.»

برای زنان آنتیمانو، وظیفه‌ی پیش رو روشن بود. بودتو چنین توضیح می‌دهد: «ابتدا باید جلساتی تشکیل می‌دادیم تا درباره‌ی خصلت مشارکتی پروژه‌مان صحبت کنیم. سپس مشغول آموزش طراحی معماری ساختمان، اندازه‌گیری، نظام‌های ارگونومیک و همه‌ی چیزهای مربوط به امور پیش‌ساخت شدیم.»

در سال ۲۰۱۵، ایشان در محله‌ی آل‌آگودونال محوطه‌ی زیبایی با نمای کوهستان درست کردند؛ در نقطه‌ای که صاحبانش چندین تن زباله‌ی فلزی را در آن‌جا رها کرده بودند. بودتو به ما می‌گوید که «آن‌طور که بعضی‌ها می‌گویند ما اشغال‌گر نیستیم و همه‌ی کارهایمان قانونی است». او با این حرف به ما گوشزد کرد که مراقب هیاهوی دست‌راستی‌هایی باشیم که زمین را برای منافع سرمایه و نه مصالح مردم می‌خواهند و از این جهت ایشان را اشغال‌گر می‌نامند.

دستیابی به این زمین اشتراکی نخستین پیروزی ایشان بود، اما ساختمان‌سازی در کشوری که تحت محاصره‌ی اقتصادی است خیلی دشوارتر از آنچه پیش‌بینی می‌شد از آب درآمد. در سال ۲۰۱۷، پس از تمیز کردن کل منطقه، آموزش‌های بیشتری دیدند و طرح پروژه را ریختند: ساختمان‌های دوقلوی شش‌طبقه با ۴۸ واحد آپارتمانی ۶۶ یا ۷۶ متری دو یا سه‌خوابه.

رویاس می‌گوید: «پنج سال مشغول کار ساخت‌وساز بودیم و تحت همه‌نوع فشاری قرار داشتیم؛ از کمبود غذا تا تهیه‌ی مواد لازم و مسئله‌ی همه‌گیری. اما شدیدترین حمله را از سوی واشینگتن احساس می‌کردیم.»

از سال ۲۰۱۷ بدین‌سو، همه‌ی بخش‌های اقتصاد ونزوئلا، خصوصاً صنعت نفت، تحت فشار قرار گرفته و این مشکلات زیادی برای برنامه‌های اقتصادی دولت ایجاد کرده است، از جمله برای طرح بزرگ مسکن؛ مشکلاتی از قبیل تأخیر و توقف‌های طولانی‌مدت در تحویل مصالح ساختمانی.

رویاس یقین دارد که اگر این حملات امپریالیستی که بیش‌ازهمه زنان را تحت فشار قرار می‌داد نبود، مدت‌ها پیش این خانه‌ها را ساخته بودند. با این همه، آنان با اتکا به همبستگی پیش رفتند. «ما با دیگر انجمن‌های ساخت‌وساز تبادل می‌کردیم و بر اساس نیازهایمان مثلاً سیمان می‌دادیم و لوله تحویل می‌گرفتیم. این قدرت مردمی در بهترین شکل خودش است!»

حالا یکی از مجتمع‌های آپارتمانی ساخته شده و قرار است امسال افتتاح بشود و انتظار می‌رود این جشنی ملی باشد. کلودیا تیسوی، مادر ۴۴ ساله‌ای که لوله‌کش است، می‌گوید: «این چیزی فراتر از ساختمان‌سازی برای خانواده‌هایمان است. ما داریم برای آینده‌ی این کشور کار می‌کنیم و زنان رهبر این مسیر هستند. این است افق سوسیالیستی.»

انقلاب زنان

دیدن زنی که مشغول ساخت‌وساز است کمی نامعمول است، اما دیدن ارتشی از این زنان دیگر خیلی عجیب است. این همان چیزی است که ما در آل‌آگودونال دیدیم. از لحظه‌ای که پایتان را در این مجتمع ساختمانی می‌گذارید، زنان زیادی با شما سلام‌وعلیک می‌کنند که هر کدام مشغول انجام کار خاصی هستند؛ از بتن‌ریزی و حمل مصالح گرفته تا نجاری و لوله‌کشی و غیره.

چنین نیست که هیچ مردی اینجا نباشد، اما ۸۰ درصد این دیوارها را زنان بالا برده‌اند. دقیق‌تر بگوییم، ۷۶ درصد آن‌ها؛ یعنی از هر ۹۶ خانواده دست‌کم یک زن اینجا کار می‌کند. تازه فقط این نیست، این زنان کاملاً خودآموخته‌اند.

یوسگلیدیز رویس یاد آن اوایل می‌افتد و خنده‌اش می‌گیرد و به ما می‌گوید: «هیچ‌کدام از ما هیچ‌چیز درباره‌ی ساخت‌وساز نمی‌دانستیم. چطور با سیمان و آجر کار کنیم؟ هیچ نمی‌دانستیم! حقیقت این است که همه‌ی زنانی که اینجا می‌بینید زنان خانه‌داری بوده‌اند که می‌خواستند برای فرزندانشان خانه بسازند تا زندگی خوبی داشته باشند. این‌گونه بود که انواع‌واقسام کارها را یاد گرفتیم و در این مسیر حسابی جنگجو شدیم.»

رویس توضیح می‌دهد که کلید موفقیت این زنان اخلاق و تعهدشان بوده است. آن‌ها به گروه‌هایی تقسیم شده‌اند که در طول هفته به صورت بیست و چهار ساعته کار می‌کنند؛ یعنی روزها کار می‌کنند و شب‌ها نگرهبانی می‌دهند؛ چنین است که این طرح در تمام طول سال پویا و فعال است.

اورسولینا گواراماتو می‌گوید در این تجربه، متخصص امورات مربوط به تیرچه‌ی ساختمان شده است و به این افتخار می‌کند. او همچنین به اتصالات میله‌ای که از برخی ستون‌های هنوز ناتمام بیرون زده اشاره می‌کند و با خنده می‌گوید «این اتفاق تقصیر من است».

به همین سیاق، آندرینا سان‌مارتین می‌گوید که به او می‌گویند متخصص بالابر. او هم به این لقب افتخار می‌کند. «من خیلی خوشحالم. اینجا چیزهای خیلی زیادی یاد گرفتم. بهترین قسمتش هم این است که داریم برای خانواده‌های خودمان خانه می‌سازیم تا زندگی بهتر و شایسته‌تری داشته باشیم و این چیزی است که چاوز همیشه به ما می‌گفت.»

مردان هم که بسیاری‌شان خودآموخته‌اند می‌گویند از کار در کنار زنان بسیار خوشحالند و این افتخار بزرگی است. آنان می‌گویند اینک شاهد قدرت سازمان‌دهی توده‌ای هستند.

کارلوس ویلانوتل می‌گوید: «ما همه‌ی تصمیم‌های خود را در قالب یک انجمن اتخاذ می‌کنیم. همه حق حرف‌زدن دارند. پس این تجربه‌ی درباره‌ی ساختن قدرت توده‌ای نیز هست، قدرتی که می‌تواند تغییری واقعی بیاورد. وقتی نوه‌دار بشوم برایشان درباره‌ی زانی می‌گویم که نه فقط مجتمع ساختمانی بلکه یک اجتماع واقعی ساختند.»

آنتونیو رودریگوئز، نجار خودآموخته، می‌گوید که مشارکت زنان بود که این پروژه را امکان‌پذیر ساخت. شعار ما این است: «وقتی زنان پیشاپیش حرکت می‌کنند، مردان حق عقب‌نشینی ندارند.»

اجتماع و پایدارسازی خود

وقتی ساختن این خانه‌ها به پایان برسد، انجمن ساخت‌وساز رودریگوئز پادریه می‌خواهد ضامن تداوم طرح بزرگ مسکن ونزوئلا بشود و به مابقی انجمن‌های خودآموخته‌ی ساختمان‌سازی یاری برساند.

آن‌ها دیگر روغن مار نمی‌فروشند. آن‌ها به معمارها و مهندسان برجسته‌ای بدل شده‌اند و برای خودشان اسم‌ورسمی به هم زده‌اند.

بودتو می‌گوید: «انتقال دانش به قدرت‌گیری ما زنان کمک می‌کند تا خانه‌های خودمان را بسازیم و زندگی‌هایمان را دگرگون کنیم. پیش از چاوز، زنان نامرئی بودند و این شامل شیرزانی نیز می‌شد که برای آزادی میهن‌مان جنگیده‌اند. اینک زمان آن رسیده است تا همه‌ی ما شیرزانی درون‌مان را آزاد کنیم.»

یکی دیگر از نقشه‌های مربوط به آینده به کشاورزی مربوط می‌شود. دستور چاوز این بود که سازمان‌دهی قدرتمند توده‌ای باید خودکفا باشد و ابزارهای تولید را در اختیار بگیرد. در کشوری چون ونزوئلا که تحت تهاجم امپریالیستی است، این تلاش‌ها جهت تولید خودمدیریتی در تمام کشور جوانه زده است؛ اگرچه این امور بیشتر در کمون‌های محلی اتفاق می‌افتد.

فکری که در سر ۹۶ خانوادگی آنتیمانو جوانه زده این است که باید تا حدی بتوانند این مسیر را به‌گونه‌ای پایدار ادامه بدهند. آن‌ها ۲۰۰۰ مترمربع برای اهداف کشاورزی‌شان دارند و یک واحد اجتماعاً مولد ساخته‌اند که به‌لحاظ مغذی غنی است و از کودهای گیاهی بدون سم بهره می‌برد.

رویاس این‌گونه می‌گوید: «ما زمین وسیعی برای کشاورزی داریم و نتایج خوبی از کشت سبزیجات و حبوبات و میوه‌هایی مانند گویاو، آووکادو، پاپایا، موز، لیمو، پرتغال و کدوخلوایی گرفته‌ایم. همچنین تعدادی خوک و اردک و خرگوش داریم.»

او به یاد می‌آورد که این خانوارها در بدترین شرایط اقتصادی از این مزارع بهره می‌جستند و حتی بخشی از محصولات خود را به کمون‌های اطراف می‌رساندند.

اما از آنجا که این یک فرایند خودآموخته بوده است همیشه کامیاب نبوده و برای اینکه بتواند پایدار باشد به تجهیزات نیاز دارد. رویاس تأکید دارد که «وقتی باران تمام می‌شود، محصولات ما خشک می‌شوند. پس به یک سیستم آبیاری نیاز داریم و باید خودمان را بیشتر در زمینه‌ی کشاورزی آزموده کنیم.»

رهبر این انجمن می‌گوید چند نهاد دولتی قول داده‌اند تا مصالح مورد نیاز این انجمن را برای رفع نیازهایشان تأمین کنند. او گفت: «ما نسبت به پروژه‌های آینده‌مان بسیار خوش‌بین هستیم. مردان و خصوصاً زنان کاملاً آماده‌اند یک انجمن و اجتماع نیرومند بسازند و دل به آینده‌ای روشن‌تر بسپارند.»